

بررسی ضمانت اجراهای نقض قرارداد های نفتی در حقوق ایران و اسناد بین المللی

کامبیز زارع خفري^۱، محمد باقر فيجان^۲

^۱ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

^۲ استادیار و هیات علمی گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

چکیده

ضمانت اجرای نقض قراردادهای نفتی در حقوق ایران و اسناد بین المللی شامل سازوکارهای متنوعی می شود که با توجه به ماهیت خاص این قراردادها طراحی شده اند. در حقوق ایران، ضمانت اجراها عمدتاً مبتنی بر قواعد عمومی قراردادهاست، از جمله الزام به اجرای عین تعهد، فسخ قرارداد و مطالبه خسارت بر اساس مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ قانون مدنی. با این حال، در قراردادهای نفتی به دلیل پیچیدگی ها و ارزش بالای اقتصادی، معمولاً مکانیسم های خاصی مانند تضمین های مالی و شرایط تعلیق تعهدات پیش بینی می شود در اسناد بین المللی مانند اصول قراردادهای تجاری بین المللی (UNIDROIT) و کنوانسیون بیع بین المللی کالا (CISG) ضمانت اجراها به صورت تفکیک شده برای نقض های عمدی و غیرعمدی تعیین می شوند. نقض عمدی یا همراه با سوءنیت ممکن است به حق فسخ فوری یا دریافت خسارت تنبیهی منجر شود، در حالی که نقض غیرعمدی معمولاً با جبران خسارت متناسب یا تعدیل قرارداد همراه است. نتایج نشان داد در اسناد بین المللی، تأکید بر جلوگیری از نقض اساسی و تناسب ضمانت اجرا با شدت نقض است. برای مثال، در قراردادهای بیع متقابل، تأخیر در اجرا ممکن است به پرداخت جریمه های سنگین یا ابطال قرارداد بینجامد. در مقابل، حقوق ایران با وجود عدم تصریح به «نقض قابل پیش بینی»، از طریق نهادهای مانند تعلیق تعهدات متقابل و درخواست تضمین به مدیریت ریسک های نقض می پردازد به طور کلی، تفاوت اصلی بین دو نظام، در انعطاف پذیری اسناد بین المللی در مقابل تکیه بر قواعد سنتی در حقوق ایران است، هرچند رویه های نوین قراردادی در حال نزدیک کردن این دو رویکرد هستند.

واژگان کلیدی: ضمانت، اجرا، نقض قرارداد، نفت، حقوق ایران، اسناد بین المللی

مقدمه

قراردادهای بالادستی نفت از مهم ترین قراردادهای اداری است که واجد جنبه های فنی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مالی، سیاسی، زیست محیطی می باشد. بلندمدت و مستمر بودن، لزوم صرف هزینه های سنگین و سرمایه فراوان، ناشناخته بودن رفتار مخزن و بازار، ریسک زیاد و عدم قطعیت و پیچیدگی و عدم اطمینان، چند بعدی بودن کالای مورد قرارداد (نفت)، دخالت بازیگران متعدد خصوصی، دولتی و شرکت های فراملیتی، مسایل حاکمیتی و دولتی و مردمی بودن منابع نفت در برخی کشورهای صاحب منابع همگی سبب افزایش ریسک های این قراردادها نسبت به قراردادهای عمومی (غیرنفتی) شده و احتمال وقوع حوادث، تغییر و تحولات بنیادین و اساسی در قرارداد را افزایش می دهد. این عذر قراردادی در قراردادهای بالادستی منعقد در این دو نظام حقوقی، به رسمیت شناخته شده و ماهیت و ویژگی های خاص این قراردادها سبب می گردد مدیریت حقوقی قرارداد جهت ادامه حیات قرارداد در اولویت اصلی طرفین باشد و آثار و ضمانت اجراء های تغییر بنیادین اوضاع و احوال نیز متناسب با اوصاف و ویژگی های خاص این قراردادها و متفاوت با قراردادهای عمومی غیرنفتی تنظیم گردد.

با توجه به پیشرفت و توسعه صنایع بالاخص صنعت نفت و خلأ قانونی موجود سعی خواهد شد در جهت بررسی مسائل مسئولیت مدنی ناشی از مالکیت تاسیسات موصوف و سکوت قوانین و مقررات مربوطه، با بهره گیری از تجارب دیگر کشورها، پیشنهادات سازنده ای با مقایسه حقوق کشورها ارائه گردد. در فرایند جلب سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت علاوه بر تحلیل های مالی- اقتصادی قراردادها، اشنایی دولتهای میزبان با انواع روشهای تامین سرمایه و ایجاد مختلف قانونی- حقوقی قراردادها اهمیت پیدا می کند. زیرا هرچه میزان اطلاع آنها از کم و کیف قراردادها بیشتر باشد تنظیم قرارداد هایی که منافع ملی بیشتری در بر دارد امکان پذیر خواهد شد.^۱

قراردادهای بین المللی نفت به عنوان یکی از موثرترین و روبه رشد ترین روش های معاملاتی نفت در بورسهای نفت و انرژی، تلقی می شود و بررسی جوانب مختلف حقوقی این نوع قراردادها، در منافع کوتاه مدت و بلند مدت جمهوری اسلامی ایران بسیار تاثیرگذار خواهد بود.^۲

نفت از عمده ترین منابع ارضی ایران هستند که مهمترین بخش وابسته به سرمایه گذاری خارجی است. قراردادهای دولت با اشخاص حقوقی مهمترین ابزار روابط اقتصادی بین المللی می باشد که به ویژه پس از پیروزی جنگ جهانی دوم جهت توسعه و تحکیم این روابط مورد استفاده قرار گرفته اند. این امر به خصوص در کشور تک محصولی ایران نیز واجد اهمیت است که در صورت اختلاف بر سر این منبع مهم چگونه به حل و فصل آن پرداخته شود. دولت ها من جمله ایران از این ابزار جهت توسعه اقتصادی خود بهره می گیرند. راه های توسعه از طریق محصولات کشور، دولتها را با مسائل حاشیه ای آن نیز درگیر ساخته است؛ چرا که ایده ها و نظرها در این حوزه ممکن است تا حدی پیش رود که کار را به اختلاف بکشاند.^۳ اختلاف نظر در حوزه های مختلفی مجال ظهور و بروز می یابد. یکی از مهمترین و بحث برانگیزترین این قراردادها، قراردادهای نفتی است که به ویژه در کشورهای جهان سوم و صاحب نفت از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد و عامل تعیین کننده ای در حیات سیاسی و اقتصادی مردم این کشورها بوده و خواهد بود. کشورهای صاحب نفت که جهت استخراج و بهره برداری از این منابع حیاتی

^۱ - افتخاری، جواد (۱۳۹۲)، کلیات عقود و حقوق تعهدات، ج ۱۱، تهران: نشر میزان. ص ۱۲۸

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۶) ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ شانزدهم. ص ۱۸۷

^۳ - علیزاده عبدالرضا. (۱۴۰۱). مقایسه قانون تجاری بین المللی ایران با قوانین کشورهای دیگر، مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴: ۳۰-۱۵.

نیازمند سرمایه گذاری و فن آوری کشورهای پیشرفته و شرکت های معظم نفتی بودند با انعقاد قراردادهایی در اسلوب های مختلف در جهت استفاده و بهره برداری از این منابع برآمدند.^۴

در فرایند سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت علاوه بر تحلیل های مالی اقتصادی - قراردادهای، اشنایی دولتهای میزبان با انواع روشهای تامین سرمایه و ایجاد مختلف قانونی حقوقی - قراردادهای اهمیت پیدا می کند. زیرا هرچه میزان اطلاع آنها از کم و کیف قراردادهای بیشتر باشد تنظیم قراردادهایی که منافع ملی بیشتری در بر دارد امکانپذیر خواهد شد. قراردادهای بین المللی نفت به عنوان یکی از موثرترین و روبه رشد ترین روشهای معاملاتی نفت در بورس های نفت و انرژی، تلقی می شود و بررسی جوانب مختلف حقوقی این نوع قراردادهای، در منافع کوتاه مدت و بلند مدت جمهوری اسلامی ایران بسیار تاثیرگذار خواهد بود. سؤالاتی که در اینجا مطرح می شود ضمانت اجراهای نقض قرارداد های نفتی در حقوق ایران و اسناد بین المللی چگونه است؟ ضمانت اجراهای نقض قرارداد های نفتی چگونه است؟ رویکرد های حقوق ایران و اسناد بین المللی در زمینه ی ضمانت اجراهای نقض قرارداد های نفتی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

کاظمی نجف آبادی (۱۳۹۶) در مطالعه ای مالکیت نفت در قراردادهای نفتی بین المللی از منظر حقوق خصوصی را بررسی کردند و بیان کردند که زمان و مکان انتقال مالکیت نفت استخراج شده یکی از نقاط چالش برانگیز در قراردادهای نفتی بین المللی بوده است. در روابط قراردادی نفتی از یک سو کشور میزبان قرار دارد که معمولاً قانون خود را حاکم بر قرارداد قرار می دهد و از سوی دیگر شرکت خارجی وجود دارد که به دلیل سابقه ی قراردادهای نفتی معمولاً تحت تأثیر حقوق کشورهای انگلیسی زبان یا کامن لا است. در حقوق کامن لا مالکیت بنا بر توافق طرفین انتقال پیدا می کند، اما در حقوق ایران انتقال مالکیت یک حکم قانونی است و بنا بر نوع قرارداد زمان و مکان این انتقال متفاوت است. در اکثر کشورهای نفتی از راه حل حقوق کامن لا مبنی بر توافقی بودن انتقال مالکیت استفاده می شود، اما استفاده از این راه کار در حقوق ما نیازمند نص قانونی است که با نسخ قوانین نفت قبلی وجود خارجی ندارد. لذا باید دقت داشت که تصریح به زمان و مکان انتقال مالکیت در قراردادهای نفتی مخصوصاً قراردادهای امتیازی و مشارکت در تولید در چهارچوب فعلی قانونی ما بلاثر و بی نتیجه است.

ابراهیم پور اسنجان و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان تحلیلی بر مفاد شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت (مورد کاوی قراردادهای نفت) بیان کردند که شروط قراردادی همواره صراحتاً دلالتی بر ایجاد تعهد برای طرف مقابل ندارند، بلکه مواردی وجود دارد که فرد با درج آن ها در قرارداد درصدد است که ذمه خود را از مسئولیت میرا ساز، و بر مسئولیت طرف مقابل بیفزاید. این دسته از شروط که تحت عنوان شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت (که در مواردی صدق عنوان شرط عدم مسئولیت نیز بر آن صحیح است) از آن ها یاد می شود، از لحاظ نظری اختلافاتی را در بین حقوقدانان ایجاد کرده اند؛ به نحوی که در اکثر موارد قیودی در جهت تحدید گستره آن ها لحاظ می گردد و مطلق این شروط در جهت عدم مسئولیت مورد قبول قرار نمی گیرند. این موضوع در قراردادهای پیچیده صنعتی از اهمیت بسزایی برخوردار است و به عنوان یکی از اصلی ترین شروط قراردادی مطرح است که بیشترین زمان را در طول دوره مذاکرات قراردادی به خود اختصاص می دهد. از جمله نهادهای مشابه در حقوق ایران و فقه امامیه با این شرط می توان به ضمان جریره و تبری از عیوب اشاره کرد که در این پژوهش به آن ها پرداخته شده است.

^۴ - اصلانی، حمید رضا، (۱۳۸۹) حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر، نشر میزان، چاپ اول، زمستان. ص ۱۰۰

گودرزی و باقری (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی بیان کردند که تصویب قوانین جدید در زمینه نفت با مقرره‌هایی که به نظر می‌رسد ارائه‌کننده مضامین جدیدی‌اند مناقشات و اختلاف‌نظرهای بسیاری را درباره وجود یا نبود مجوز برای ایجاد برخی تغییرات در قراردادهای نفتی به همراه داشته است. استفاده قوانین از عبارات «انواع روش‌های اکتشاف، توسعه و تولید» و «طراحی الگوهای جدید قراردادی و مشارکت با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی» موجب بروز ابهامات زیادی شده است

زحمتکش (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان رژیم حقوقی و ترتیبات مالی در قراردادهای بالادستی در صنعت نفت بیان کردند که تحول چارچوب‌های حقوقی قراردادهای نفتی برخلاف تصور رایج بیش از آنکه برآمد تحولات سیاسی باشد، محصول شرایط خاص عینی میدان‌های نفتی است؛ افزون بر این، چارچوب‌های عام حقوقی نقش چندانی در تنظیم ساختار مالی قراردادهای ایفا نمی‌کنند.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش‌ای اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت ایران را بررسی کردند. آنها در این مطالعه بیان کردند که قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت ایران به عنوان یکی از قراردادهای بین المللی حاکم بر پروژه‌های بالادستی اعم از اکتشاف و توسعه میادین نفت کشور از گذشته تا به حال در صدد جذب سرمایه گذاری خارجی و تعامل با شرکت‌های بین المللی نفت بوده است، این قراردادها در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت ایران حاوی اصولی قانونی است که شالوده تشکیل این قراردادها محسوب می‌شود. اصول قانونی مزبور به نحوی در این قراردادها اعمال می‌شود تا منافع کارفرما و پیمانکاران بین المللی نفتی و یا سرمایه‌گذاران خارجی را تامین کند، این در حالی است که اصول مزبور واجد جنبه آمره بوده که امکان عدول از آن به عنوان خطوط قرمز حاکم بر انعقاد قراردادهای خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت کشور را غیرممکن می‌سازد.

محمدزاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان اجرای احکام داوری تجاری بین المللی در خصوص ضمانت اجرای احکام داوری تجاری بیان کرد مشکلاتی که اجرای احکام را احاطه می‌کند، به ویژه اجرای احکام از طریق فشار دولت‌ها، نه تنها موارد استثنایی را تشکیل می‌دهد و اهمیت این حوادث بیش از حد بزرگ جلوه داده است، بلکه مسئله متداولی نیز در امر داوری به شمار نمی‌رود که مبین بعضی تخلفات نادر در این امر باشد، و اجرای احکام اعم از اجباری یا اختیاری دو رکن مرتبط به هم و حتی تکمیل کننده یکدیگر هستند.^۵

کاشانی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان وضعیت حقوقی منابع نفت واقع در مرز بین کشورها بیان کردند که در مواقعی که مخزن نفت یا گاز در تقاطع مرزهای دو یا چند کشور یافت می‌شود مساله حاکمیت یا مالکیت بر آن و بهره برداری از مخزن گفته شده به لحاظ طبیعت فرار هیدروکربنی مباحث پیچیده حقوقی را پدید می‌آورد. خصیصه این مواد به گونه‌ای است که چنانچه هر یک از دو کشور ذی ربط و ذی نفع در مخزن، از داخل مرز خود اقدام به حفاری نماید، می‌تواند بخشی از نفت یا گاز موجود در مخزن مشترک را استخراج کند. برای مدیریت حقوقی این پدیده طبیعی، در حقوق بین الملل وحدت نظر وجود ندارد. دیدگاه کلاسیک و وفادار به حاکمیت مطلق معتقد است که اگر اراده دولتی در مورد بهره برداری از چنین منابعی به موجب قواعد بین المللی تحدید نشده باشد، دولتها در حیات از منابع گفته شده آزادند. ولو اینکه مواد استحصال شده از زیر زمین همسایه باشد. دیدگاه دیگر در این زمینه معتقد است این قبیل منابع را می‌توان به مثابه مال مشاع بین دولتهای ذی ربط دانست که بهره برداری از آن لزوماً باید بر اساس همکاری دولتهای موصوف صورت پذیرد.

^۵ محمدزاده، محمود، (۱۳۹۰)، اجرای احکام داوری تجاری بین المللی، ماهنامه کانون، شماره ۳۱، ص ۲۳

تحلیلی بر چالش های ضمانت اجرا های نقض قرارداد های نفتی

اگرچه بیشتر قراردادهای تجاری بین المللی، بدون بروز اختلاف اجرا می شود، اما بروز اختلاف، امر عادی است، اختلافات تجاری بین المللی بین دولت ها و اشخاص خصوصی خارجی یکی از مسایل مهم و اساسی است، سرمایه گذاران خارجی از بیم نفوذ دولت ها و تغییر قوانین همواره مطمئن ترین طریق ممکن را جستجو می نمایند. لذا حل و فصل چنین اختلافاتی طریقه و قواعد مناسب خود را اقتضاء می کند یک قرارداد مطلوب قراردادی است که اولاً به آسانی قابل اجرا بوده و به شیوه ای متعادل و متوازن تنظیم گردد؛ به نحوی که حقوق و منافع طرفین را تامین و ریسک های آن ها را به صورت عادلانه توزیع نماید و ثانیاً رویه حل و فصل اختلافات ناشی از آن به نحو شفاف و مشخصی پیش بینی گردد. در هر قراردادی اصولاً شیوه های حل و فصل اختلافات ناشی از آن پیش بینی می شود، علی الخصوص قراردادهای نفتی و گازی که به علت حساسیت موضوع قرارداد، پیش بینی این راهکارها ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود. حل و فصل اختلافات در قراردادهای نفتی، سه مرحله است: نخست، طرفین تلاش می کنند با مذاکره، حل اختلاف شود. در اکثر قراردادهای بین المللی نفت و گاز قید می گردد، قبل از توسل به بند داوری و یا سایر روش های حل و فصل پیش بینی شده در متن قرارداد، باید طرفین نهایت تلاش خود را در مذاکرات و با رعایت حسن نیت جهت حل و فصل اختلاف پیش آمده به کاربندند. دوم، در صورت عدم فیصله اختلافات در مرحله اول، به داوری رجوع می شود تا جایی که امکان دارد باید از مداخله ی فرآیند قضایی در اختلافات ناشی از پروژه های نفتی جلوگیری شود و تلاش نمود تا به وسیله ی مذاکره یا سایر روش های حل و فصل غیر قضایی به یک نتیجه ی کارآمد دست یافت. سوم، در صورت عدم موفقیت داوری، موضوع به دادگاه ارجاع می شود. به ندرت از شیوه ی قضایی برای حل و فصل اختلافات استفاده می شود زیرا رجوع به محاکم قضایی دارای ریسک های متعددی است و نمی تواند به نحو کارآمدی اختلافات را حل و فصل کند. اصولاً در صورتی که سایر روش های حل و فصل اختلاف منجر به نتیجه نشود طرفین اختلاف ناگزیر اختلافات خود را از طریق دادگاه تعقیب می کنند. مسلماً راه حل اول نسبت به راه حل دوم و راه حل دوم نسبت به راه حل سوم شیوه های مناسب تری برای حل و فصل اختلافات نفتی می باشند.

ضمانت اجرای نقض قراردادهای نفتی در حقوق ایران و اسناد بین المللی از جنبه های مختلفی قابل بررسی است. در حقوق ایران، این ضمانتها عمدتاً مبتنی بر قواعد عمومی قراردادها از جمله الزام به اجرای عین تعهد، فسخ قرارداد و مطالبه خسارت هستند. ماده ۲۲۱ قانون مدنی مسئولیت ناشی از تخلف از تعهدات قراردادی را تصریح می کند، در حالی که ماده ۲۲۶ شرایط مطالبه خسارت را مشخص می نماید.

با این حال، در قراردادهای نفتی به دلیل پیچیدگیهای فنی و اقتصادی، مکانیسم های خاصی مانند تضمین های مالی و شرایط تعلیق تعهدات پیش بینی میشود. برای مثال، در قراردادهای بیع متقابل، تأخیر در اجرا ممکن است به پرداخت جریمه های سنگین یا ابطال قرارداد منجر شود.

در اسناد بین المللی مانند اصول UNIDROIT و کنوانسیون CISG، ضمانت اجراها به صورت تفکیک شده برای نقض های عمدی و غیرعمدی طراحی شده اند. نقض عمدی یا همراه با سوءنیت می تواند به حق فسخ فوری یا دریافت خسارت تنبیهی بینجامد، در حالی که نقض غیرعمدی معمولاً با جبران خسارت متناسب یا تعدیل قرارداد همراه است این اسناد بر تناسب ضمانت اجرا با شدت نقض تأکید دارند و امکان جمعآوری چندین ضمانت اجرا (مانند فسخ و خسارت) را فراهم می کنند.

تفاوت‌های کلیدی بین دو نظام:

انعطاف پذیری:

اسناد بین المللی با پیش بینی نقض قابل پیش بینی و ضمانت اجرای پیشگیرانه (مانند تعلیق تعهدات یا درخواست تضمین) انعطاف بیشتری نشان می دهند.

حقوق ایران فاقد تصریح مستقیم به «نقض قابل پیش بینی» است و عمدتاً پس از وقوع نقض، به ضمانت اجراها متوسل می شود.^۶

روش های حل اختلاف:

در قراردادهای نفتی، سلسله مراتب حل اختلاف شامل مذاکره، داوری بین المللی و در نهایت مراجعه به دادگاه است. داوری به عنوان روش ترجیحی شناخته میشود، زیرا ریسک های ناشی از فرآیند قضایی را کاهش می دهد اسناد بین المللی به طور خاص بر داوری مؤسسات معتبر مانند ICC تأکید دارند، در حالی که حقوق ایران گاه با چالش های ناشی از تضاد قوانین ملی و بین المللی مواجه است.^۷

ضمانت اجرای مالی:

در اسناد بین المللی، خسارت تنبیهی برای نقضهای عمدی پیش بینی شده است، در حالی که حقوق ایران عمدتاً به جبران خسارت مستقیم محدود می شود جریمه های تأخیر در قراردادهای نفتی ایران (مانند بیع متقابل) اغلب به صورت درصدی از ارزش پروژه محاسبه می شوند، اما در اسناد بین المللی این جریمه ها با توجه به اصول تناسب و منع enrichment بدون سبب تعدیل می شوند.

چالشهای حقوق ایران:

عدم پیش بینی نهادهای پیشگیرانه: حقوق ایران فاقد سازوکارهای مشخصی مانند تعلیق تعهدات متقابل پیش از نقض است، هرچند در رویه قضایی از طریق تفسیر مواد قانونی (مانند ماده ۲۲۱ قانون مدنی) این خلأ تا حدی پر می شود.

وابستگی به قواعد سنتی:

رویکرد حقوق ایران به قراردادهای نفتی هنوز متکی بر قواعد عمومی قراردادها است، در حالی که اسناد بین المللی از چارچوب های تخصصی تر برای مدیریت ریسک های نفتی استفاده می کنند. در مجموع، گرچه حقوق ایران در حال نزدیک شدن به استانداردهای بین المللی است، اما تفاوت های ساختاری در انعطاف پذیری و پیش بینی ضمانت اجرای پیشگیرانه همچنان پابرجاست.^۸

مقایسه مولفه های کلیدی در زمینه ی ضمانت اجرا های نقض قرارداد های نفتی ایران و اسناد بین المللی		
مولفه ها	ایران	اسناد بین المللی
انعطاف پذیری	متکی بر قواعد سنتی	استفاده از چارچوبهای تخصصی و پیشگیرانه
خسارات	محدود به جبران مستقیم	شامل خسارت تنبیهی برای نقض عمدی

^۶ - موحّد، محمد علی. (۱۳۸۹). درس هایی از داوریهای نفتی، جلد اول، ۱۸۶:صص ۲۹۹-۱۶۸.

^۷ - صفایی، حسین (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری ها و نارسایی های قانون داوری تجاری بین المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

^۸ گودرزی، زهرا و باقری، محمود، تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی، مجله مطالعات حقوق انرژی، ۱۳۹۴، دوره ۱، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۳.

حل اختلاف	تاکید بر داوری داخلی	اولویت با داوری بین المللی
ضمانت های مالی	وثیقه حسن پایان کار (۵-۱۰٪)	تضمین نامه های بانکی بین المللی

طرفین اختلاف

ارتباط اجاره نامه نفت و گاز یک چالش منحصر به فرد برای راه حل اختلاف ارائه می دهد زیرا طرفین رابطه می توانند بسیار متغیر باشند.^۹ به هر حال، در بسیاری از اجاره نامه ها یک طرف وجود خواهد داشت، یعنی موجر، که اغلب فاقد پیچیدگی مربوط به قراردادهای نفت و گاز و فرایند توسعه نفت و گاز می باشد. موجرهای معمولی افرادی هستند که صاحب ملک اجاره داده شده می باشند، یا اینکه صاحب مزایای معدنی در ملک می باشند.^{۱۰} در سمت دیگر معامله مستاجر وجود دارد که معمولاً اطلاعات و تخصص بیشتری در رابطه با موضوع معامله اجاره دارد. اگرچه عبارت "مستاجر" بطور معمول مربوط به یک "شرکت نفتی" می باشد و ممکن است فرد خاصی باشد، مانند یک زمین شناس، که تلاش می کند که یک منطقه را اجاره کند، بنابراین این زمین می تواند عدل بندی شود، فروخته شود و به یک شرکت نفتی تخصیص داده شود.^{۱۱} به هر حال، بطور معمول اجاره نامه ای که در مالکیت یک شرکت نفتی دارای تخصص توسعه نفتی و گازی است به پایان خواهد رسید. علاوه، نمونه اولیه روابط اجاره نامه یک موجر منحصر بفرد با یک سازمان نفتی و گازی پیچیده به عنوان مستاجر است.^{۱۲}

اهداف تجاری طرفین

موجر

هدف تجاری اصلی موجر در اجاره نامه نفت و گاز به دست آوردن توسعه بدون ریسک پتانسیل های معدنی از اموال خود می باشد. موجر یک شریک مجهول می باشد؛ او هیچ سرمایه گذاری نمی کند به غیر از جاذبه های معدنی که در حال اجاره دادن است. موجر بطور معمول حداکثر توسعه اموال اجاره شده را می خواهد چرا که موجر هیچ یک از هزینه های توسعه را متحمل نمی شود. توسعه حداکثری بطور عادی با حداکثر کردن درآمد حاصل از حق امتیاز موجر حاصل می شود.^{۱۳}

مستاجر

در سطح یک، اهداف تجاری مستاجر مانند موجر می باشند؛ حداکثر تولید از دارایی اجاره شده. به هر حال، از آنجا که مستاجر باید تمام ریسک مالی و سایر ریسک های مرتبط با توسعه را متحمل شود، یک واحد بیشتر تولید برای مستاجر الزاماً منجر به افزایش یک واحدی ثروت نمی شود. در میان اهداف تجاری مستاجر آزادی در تصمیم گیری برای توسعه درباره اموال اجاره ای می باشد. به عنوان مثال، مستاجر بطور معمول اندکی از موجودی اجاره را نگهداری می کند که تعداد

^۹ - اصلانی، حمید رضا، (۱۳۸۹) حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر، نشر میزان، چاپ اول، زمستان. ص ۱۳۲

^{۱۰} - افتخاری، جواد (۱۳۹۲)، کلیات عقود و حقوق تعهدات، ج ۱، تهران: نشر میزان. ص ۱۴۰

^{۱۱} - موحد، محمد علی. (۱۳۸۹). **درس هایی از داوریهای نفتی**، جلد اول، ص ۳۶

^{۱۲} - صفایی، حسین (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری ها و نارسایی های قانون داوری تجاری بین المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

^{۱۳} - شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۸). **تنظیم قراردادهای داوری با توجه به قانون داوری تجاری بین المللی ایران**، مجله مجتمع آموزش عالی قم. ص ۱۰۸

چاه‌هایی را افزایش می‌دهد که آنها اخیراً برای حفاری سرمایه‌گذاری کرده‌اند.^{۱۴} بعلاوه، مستاجر فاکتورهای بسیاری را بررسی می‌کند برای شناسایی اینکه کدام ملک اجاره‌ای با سرمایه در دسترس برای حفاری توسعه خواهد یافت. مفاد ابتدایی اجاره نامه، توسعه اطراف، چشم اندازی برای رسیدن به موفقیت و تقاضای موجر که در میان متغیرهای اجاره در تخصیص بودجه حفاری آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجایی که مستاجر تصمیم می‌گیرد که پول خود را در پروژه حفاری خرج نماید، تقاضا می‌کند که در رابطه با مکان و چگونگی حفاری، آزمایش، تکمیل و عملیات آن اقدام کنترلی صورت گیرد.^{۱۵}

همچنین ممکن است مستاجر در پس استخراج نفت و گاز مرتبط با روابط اجاره‌ای فرصت‌های اقتصادی را بوجود آورد. به عنوان مثال، مستاجر بخواهد که محصول را با محصولات دیگر بسته بندی کند و به مکان‌های دیگری که می‌توانند به سایر محصولات تبدیل شوند، فروخته شوند، تعویض شوند فرستاده شوند یا اینکه با افزایش سرمایه جدید به امید سودهای جدید باشند. دفعات زیادی یک از اهداف تجاری مستاجر در اجاره نفتی و گازی بدست آوردن تولیدی می‌باشد که او بتواند در سایر شرکت‌های خود نیز استفاده نماید، مانند بازاریابی پایین دستی، پردازش، پالایش، یا توزیع بصورت خرده فروشی.^{۱۶}

مذاکره

این مورد شاید رایج‌ترین و پایه‌ای‌ترین رویکرد حل اختلاف در صنعت نفت و گاز باشد پیش از هر روش قضایی یا غیر قضایی که می‌تواند بکار برده شود. مذاکره غیر رسمی‌تر از اشکال دیگر ای دی آر می‌باشد و در ابتدا استفاده می‌شده هنگامی که رابطه بین طرفین به اندازه حل اختلاف اهمیت داشته است.^{۱۷} ضرورتاً سه نوع استراتژی مذاکره وجود دارد. اولی مذاکره سخت (سختگیرانه) می‌باشد، که موقعیت تجاری با فشار آوردن به طرف مقابل تا زمانی که تسلیم شود بدست می‌آید، در هر دو طرف با مواضع افراطی شروع می‌کنند، دیدگاه‌های واقعی را منع می‌کنند و تنها برای ادامه یافتن مذاکرات امتیازات کمی به یکدیگر می‌دهند. این استراتژی بشدت زمان بر می‌باشد و اغلب می‌تواند هر دو طرف را از دستیابی به مصالحه بازدارد. نوع دوم مذاکره نرم (سهل گیرانه) می‌باشد، که در آن رابطه بواسطه تسلیم شدن برای اجتناب از گرفتار شدن در موقعیت غیر قابل مذاکره با ارزش می‌شود. هیچ کدام از نظر عملی برای اختلافات نفتی و گازی مناسب نمی‌باشند.^{۱۸}

سومین گزینه از روش‌های مذاکره یک مدل توسعه یافته بواسطه فیشر و یوری است، که مذاکره اصولی می‌باشد، در جایی که این حقیقت نهفته است که در مورد مشکلات سختگیرانه، اما در مورد مردم سهل گیرانه باشد. مذاکره اصولی روی محاسن وضعیت بیشتر از تفاوت‌هایی که ممکن است بین دو طرف درگیر وجود داشته باشد تمرکز می‌کند.^{۱۹} این رویکرد

^{۱۴} - صلح جی، محمد. (۱۳۸۹). استقلال شرط داوری در قراردادهای بین‌المللی، پژوهش حقوق، ص ۳۰

^{۱۵} - کاشانی جواد، شیخانی محمد. (۱۳۹۱). داوری های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بازرگانی، مجله پژوهش های حقوقی، ۱۹: ۱۳-۲۰.

^{۱۶} - صفایی، حسین. (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،

ص ۲۴

^{۱۷} - شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۵). بررسی قانون نمونه ی آنسیترال در خصوص سازش تجاری بین‌المللی، مجله اندیشه های حقوقی،

۲۹: ۲۵-۶۸.

^{۱۸} - صلح جی محمد. (۱۳۸۹). استقلال شرط داوری در قراردادهای بین‌المللی، پژوهش حقوق، ۳۳: ۳۰۰-۲۸۵.

^{۱۹} - ابراهیم پور اسنجان، عادل، ابراهیمی، سیدنصرالله و باقری، محمود، تحلیلی بر مفاد شرط پذیرش مسؤولیت و جبران خسارت (مورد کاوی قراردادهای نفت و گاز)، ۱۳۹۵، دوره ۲۰، شماره ۳، ۲۶-۱.

حل مساله شامل تلاش مذاکره کننده برای حل اختلاف از طریق پیشنهاد کردن راه حل‌هایی که ممکن است به نفع هر دو طرف است می‌باشد از طریق‌جدا کردن آنها از مشکل، تاکید بر اهمیت برخورد با طرفین و نیاز به کنترل هوشمندانه وضعیت. مذاکره کننده موقعیتی را نمی‌پذیرد اما بدنبال چیره شدن بر چیزی می‌باشد که ممکن است اخیرا یک موقعیت تثبیت شده از طریق توسعه دادن یک گستره وسیع از راه حل‌های ممکن برای اختلاف باشد. سپس معیارها برای انتخاب نتیجه‌ای که از احساسات شخصی جدا می‌باشد و باید عینی و عادلانه باشد استفاده شد. نتیجه پیشنهاد شده به عنوان یک توافق هوشمندانه که باید بطور کارآمد به آن برسیم، و حداقل باید از طریق آسیب ندیدن تمایز داشته باشد،^{۲۰} اما امیدواریم پیشرفت‌های بیشتر درباره رابطه بین طرفین حاصل شود. یک رویکرد بدنبال چیره شدن بر وضعیتی است که طرفین مذاکره کننده را در موقعیتی که دارند در رابطه با ضرر تمرکز کردن بر روی سودی که در حل اختلاف دارند آشنا کند. در برابر، شرایط سهل انگارانه و اجباری می‌تواند از ای طریق اجتناب شوند یا کاهش یابند و روابط حرفه‌ای می‌توانند بر اساس برداشت‌های دقیق، ارتباطات خوب و احساسات معقول، با یک رویکرد نتیجه‌ای آینده نگر زنده شوند.^{۲۱}

در این رویکرد، مشکلی که با آن مواجه می‌شویم نیز شامل می‌شود و بیشتر از آن، بهره بیشتر از توافق دوجانبه و حل مسالمت آمیز طرفین را قادر می‌سازد که رابطه بین خودشان را پایدار نگه دارند. بسیاری از سودهای دوجانبه دیگر به عنوان نتیجه‌ای از این فرایند ممکن است پوشش داده نشوند. نتیجه می‌تواند الزام آور باشد اگر در یک توافق قراردادی نتیجه شود که نشان دهنده مذاکرات می‌باشند، هر چند بعید است که دادگاه‌ها مذاکره را به عنوان ابزاری برای ثبات رویه قضایی در اجرای مدیریت پرونده فعال در نظر بگیرند.^{۲۲}

این رویکردها تنها رویکردهای موجود نمی‌باشند. رویکردهایی در این بین وجود دارند، که در واقع در طول یک مذاکره یا مجموعه‌ای از مذاکرات این رویکرد ممکن است تغییر نماید، شاید چندین بار. یک طرف ممکن است از یک رویکرد استفاده کند و طرف دیگر از رویکرد دیگری استفاده کند. این سوال که کدام رویکرد استفاده شود با توجه به تعداد فاکتورهایی شامل موقعیت مذاکره نسبی طرفین می‌شود تغییر می‌کند. بسیاری از قراردادها در صنعت نفت و گاز برای مذاکره در مورد اختلاف فراهم شده‌اند.^{۲۳}

به عنوان مثال، در استاندارد فرم قرارداد، یک رویکرد مذاکره‌ای سه سطحی پیش از اجرای رویه ای دی آر فراهم شده است. این قرارداد یک بند تشدید دارد که به موجب آن اختلافات در ابتدا توسط نماینده‌های هر یک از طرفین بررسی می‌شود؛ اگر به هیچ توافقی حاصل نشود سپس به اشخاصی که در فرم توافقنامه نام آنها آمده است ارجاء داده می‌شود؛ سپس اگر راه حلی حاصل نشود اختلاف به مذاکره اصلی در سطح اجرایی ارجاء داده خواهد شد. مذاکره اجرایی اغلب در قراردادهای صنعتی به عنوان بخشی از فرایند حل اختلاف تشدید شده استفاده می‌شود.^{۲۴} مزیت این موضوع این می‌باشد که اختلاف را از کنترل آنهایی که با هم در فعالیت‌های قرارداد بصورت روزانه کار می‌کنند خارج می‌کند، از اینرو به حفظ روابط کاری خوب کمک می‌کند. اگر داوری اجرایی ناموفق باشد سپس هر طرف می‌تواند اختلاف را به دادگاه ببرد، اما تنها

۲۰ - صفایی، حسین (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

۲۱ - کاشانی جواد، شیخانی محمد. (۱۳۹۱). داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بازرگانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۹: ۲۰-۱۳.

۲۲ - علیزاده ع. (۱۳۸۱). مقایسه قانون تجاری بین‌المللی ایران با قوانین کشورهای دیگر، مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴: ۳۰-۱۵.

۲۳ - صلح جی، محمد. (۱۳۸۹). استقلال شرط داوری در قراردادهای بین‌المللی، پژوهش حقوق، ۳۳: ۳۰۰-۲۸۵.

۲۴ - صفایی، حسین. (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

اگر مراحل اولیه کامل شده باشند. مزایای اصلی مذاکره این است که منازع کننده‌ها در کنترل فرایند می‌مانند، راه حل‌های مذاکره‌ای تمایل به داشتن مدت زمان بیشتری دارند، مدیریت زمان و هزینه‌ها، محرمانه بودن، راکاهش می‌دهد، و پس از آنکه مذاکره کنندگان درگیر نزاع اصلی نمی‌شوند، آنها فاصله شخصی و احساسی دارند که اجازه می‌دهند که بی‌طرف باشند.^{۲۵}

از نظر قدرت اجرایی، بر خلاف دادرسی یا یک رای داوری بیگانه، توافق برای مذاکره بطور سنتی به دلیل عدم اطمینان از داشتن نیروی الزام آور غیر قابل اجرا می‌باشد. در دعوی^{۲۶} یک شرکت توافق می‌کند که با شرکتی دیگر وارد مذاکره شود یا وارد مذاکره با هر شخص ثالثی شود. به هر حال، هیچ نشانه‌ای وجود نداشت که دو شرکت چه مدت اجبار دارند که مذاکره را ادامه دهند و همچنین هیچ چیزی که وظیفه پایان دادن به این اجبار را داشته باشد وجود نداشت. دادگاهی به منظور توافق برای مذاکره برای یک دوره نامشخص که غیر قابل اجرا بود تشکیل شد.^{۲۷}

روش های مدرن حل اختلاف در حوزه نفت و گاز

میانجی‌گری

بندهای چند لایه حل اختلاف

روند اخیر در صنعت نفت و گاز یک افزایش در استفاده از فرایندهای چندلایه حل اختلاف را نشان می‌دهد، بخصوص در قراردادهای بین المللی. این فرایند شامل حل اختلافات از طریق بندهای چند لایه حل اختلاف که فرایندهای حل اختلاف متفاوتی را در مرحله‌های متمایز و افزایشی ارائه می‌دهد. بند چند لایه حل اختلاف ممکن است شکل‌های متنوعی به خود بگیرد. به عنوان مثال، در دعوی^{۲۸} یک توافقنامه بلند مدت تامین گاز یک بند سه لایه حل اختلاف را ارائه می‌دهد. پس از کمک کردن ملاحظات مکتوب اختلاف، طرفین توافق کردند که با هم ملاقات کنند و از تمام توان منطقی خود برای حل و فصل اختلاف یا تفاوت در حسن نیت استفاده نمایند. در مواقعی که یک اختلاف بین طرفین حل نشده باید اختلاف برای تصمیم‌گیری به یک کارشناس ارجاء داده شود. در نهایت، در مواقعی که هیچ کارشناسی تعیین نشود یا رویه قادر به اجرا شدن نباشد ممکن است اختلاف توسط هر دو طرف به موجب مقررات داوری ۱۹۹۶ به داور ارجاء داده شود.^{۲۹}

بعلاوه، شرایط کلی قرارداد^{۳۰} (شامل نکات راهنما می‌شود) برای خدمات (ساحلی و غیر ساحلی) بند ۳۰ و تامین آیت‌های اصلی کارخانه و تجهیزات، بند ۳۶ مثال‌هایی را از بندهای لایه حل اختلاف ارائه می‌دهد.^{۳۱} بطور خلاصه، فرایند اینگونه است که اختلاف را در ابتدا به نماینده‌های شرکت‌ها برای بحث و بررسی و تلاش منطقی برای رسیدن به توافق ارجاء می‌دهد. اگر به توافقی حاصل نشود، اختلاف به دو نفری که نام آنها در ضمیمه قرارداد آورده شده است ارجاء داده می‌شود. اگر، دوباره، توافقی حاصل نشود، اختلاف به مذاکرات اجرایی که توسط مدیران اجرایی شرکت‌ها انجام می‌گیرد

^{۲۵} - موحّد، محمد علی. (۱۳۸۹). درس‌هایی از داوریهای نفتی، جلد اول، ۱۸۶: ۲۹۹-۱۶۰.

^{۲۶} Walford v Miles

^{۲۷} کاشانی جواد، شیخانی محمد. (۱۳۹۱). داوری های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بازرگانی، مجله پژوهش های حقوقی، ۱۹: ۲۰-۱۳.

^{۲۸} Thames Valley Power Ltd v Total Gas & Power Ltd

^{۲۹} - شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۸). تنظیم قراردادهای داوری با توجه به قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۱۱: ۴۵-۱۳.

^{۳۰} LOGIC

^{۳۱} - کریمی، عباس (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، ج ۱۷، تهران: انتشارات مجد، ص ۶۹

ارجا داده می‌شود. دادگاه آخرین منبع حل اختلاف می‌باشد. به هر حال، طرفین برای توافق در مورد کاربرد داوری به عنوان روش ای دی آر آزادی دارندف بخصوص در مواردی که یک امان دریایی بین المللی نیز وجود داشته باشد.^{۳۲} مثال بیشتر یک قرارداد برای ارائه یک محصول شناور، ذخیره سازی و تخلیه^{۳۳} نصب و راه اندازی در دریای شمال می‌باشد. این قرارداد در سال ۱۹۹۶ امضا شد و فصلی را در مورد حل و فصل اختلافات در بر می‌گیرد. این رویه برای حل اختلافات بدون استفاده از هیچ شکلی از داوری و دادرسی طراحی شده است. در عوض، قرارداد برای اختلافاتی بکار گرفته می‌شود که بواسطه یک فرایند هیبریدی افزایشی مذاکره حل خواهند شد، که توسط مذاکره اجرایی و به حد اعلا رسیدن در استفاده از فرایند تعیین کارشناس دنبال می‌شود.^{۳۴} بر اساس بند مربوطه قرارداد، اختلافات در ابتدا توسط مشتری و نماینده‌های پیمانکارانمورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. این موقعیت‌ها در قرارداد مشخص شده‌اند و افراد به قدر لازم روی کاغذ منتصب شده‌اند. اگر آنها قادر به حل اختلاف نباشند سپس اختلاف به سطح بعدی مدیریت وارد می‌شود، سطح ارشد یا اجرایی، و آنها تلاش می‌کنند تا درباره راه حل مذاکره کنند. اگر این فرایند در نتیجه در رسیدن به راه حل ناموفق باشد؛ سپس دو طرف قرارداد بطور مشترک کارشناسی را برای تصمیم گیری در مورد اختلاف منتصب می‌کنند.^{۳۵} این فرایند به بخش‌های ۱۴ روزه با توجه به مدت زمانی که هر مرحله برای اجرا شدن نیاز دارد تقسیم می‌شود. به هر حال، تنها مانع برای کل فرایند آن بود که توافقی در قرارداد برای طرفین که با توجه به یافته‌های کارشناس محدود شود.^{۳۶} مورد دوم می‌تواند کل فرایند را با شکست مواجه کند همانطور که به مشتری برای نادیده گرفتن کل فرایند همانگونه که در قرارداد کنار گذاشته شده اجازه داده، اما به پیمانکار نه. این قرارداد بخصوص نیاز به اطمینان از فرایند توافق شده، به هر صورتی که هست، را نشان می‌دهد و همچنین شامل توافقنامه‌ای، که برای طرفین الزام آور است، برای پذیرش نتیجه نهایی، به هر صورتی که هست می‌باشد.

از نظر قابلیت اجرا، آیا طرفین تنها مجاز هستند با نتیجه روش‌های حل اختلاف که در بند مربوطه تدوین شده است موافقت کنند^{۳۷} یا اینکه آنها بر اساس یک اصل قانونی قابل اجرا، که در ابتدا وابسته به نحوه نوشتار بند مربوطه می‌باشد عمل کنند. اثر عدم موفقیت برای موافقت با الزامات پیش از داوری بر اساس فرایندهای چند لایه ممکن است این باشد که قضاوت درباره اختلاف به دادگاه داوری ارجا داده نشود. اگر یکی از طرفین درباره این اثر اعتراض نماید، دادگاه داوری در مورد سوالات قضایی بر اساس اختیارات تحت اصل رقابتی-رقابتی تصمیم خواهد گرفت.^{۳۸} صنعت نفت و گاز بدنبال راه حل‌های سریع و کم هزینه با حداقل تاثیر بر عملیات‌ها و روابط بین شرکای این صنعت برای حل اختلافات می‌باشد. یک استراتژی مدیریت تعارض ارجح در جایی که طرفین اختلاف کنترل بیشتری دارند هزینه

۳۲ - یزدانیان، علیرضا، نظریه عمومی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران، فصلنامه حقوقی دادگستری، ۱۳۹۱، شماره ۷۷، ص ۱۶۴

۳۳ FPSO

۳۴ - گودرزی، زهرا و باقری، محمود، تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی، مجله مطالعات حقوق انرژی، ۱۳۹۴، دوره ۱، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۳.

۳۵ - صفایی، حسین. (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

۳۶ - بطور مثال، "شرکت از نظر وظیفه‌ای برای پذیرش شناسایی محدود نمی‌باشد و اگر این مورد همان مورد باشد پیمانکار می‌تواند شکایت قانونی کند"

۳۷ - صلح چی محمد. (۱۳۸۹). استقلال شرط داوری در قراردادهای بین‌المللی، پژوهش حقوق، ۳۳: ۳۰۰-۲۸۵.

۳۸ - صفایی، حسین. (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

فرایندی کمتری در بر دارد، مانند مذاکره یا میانجی‌گری، پیش از تبدیل به فرایندهای هزینه‌بر تر مانند داوری یا دادرسی. اتخاذ اقدامات قضایی بطور بالقوه گران، خصمانه و طولانی می‌باشند و تمام طرفین درگیر حق خود را برای محرمانه بودن از دست می‌دهند.^{۳۹} علاوه بر این، از نظر اجرا کردن قضاوت در خارج از کشور این نظر ممکن است مناسب نباشد مگر اینکه به رسمیت شناختن و اجرای معاهدات دوجانبه میان کشورهای درگیر در اختلاف وجود داشته باشد. بعلاوه، افرادی که در صنعت نفت و گاز وجود دارند یک روش حل اختلاف توافق شده را در برابر دادرسی انتخاب می‌نمایند.^{۴۰} داوری اغلب ارزان‌تر می‌باشد نسبت به دادرسی اما همیشه اینگونه نمی‌باشد. مزایای آن در دادرسی رویه‌های قضایی می‌باشد که عمومی نیستند و قابلیت اجرای یک رای داوری بیگانه بر اساس قرارداد ۱۹۵۸ نیویورک مجاز دانسته شده است. علارغم مضرات آن، داوری یک انتخاب محبوب و پر طرفدار برای حل اختلافات در صنعت باقی می‌ماند.^{۴۱}

روند اخیر صنعت نشان می‌دهد که داوری و دادرسی به عنوان آخرین گزینه پس از بررسی گزینه‌های غیر رسمی و/یا رسمی بیشتر ای دی آر مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایج‌تر است که یک فرایند حل اختلاف توافق شده به شکل گزینه‌های روش‌های چند لایه انتخاب شود که معمولاً شامل مذاکره، میانجی‌گری، تعیین کارشناس و در نهایت داوری می‌باشند.^{۴۲} مزایای اولیه استفاده از یک فرایند چند لایه بهبود کارایی و پایین آمدن هزینه فرایند حل اختلاف می‌باشد. این فرایند به عنوان یک فرایند پالاییده (فیلترینگ) عمل می‌کند که تنها اختلافات جدی و پیچیده با داوری حل و فصل می‌شوند و اختلافاتی که پیچیدگی کمتری دارند در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرند، بعلاوه اینکه زمان، انرژی و پول هم ذخیره می‌شود. با انتقال راه حل‌های اختلافات برای اتخاذ زنجیره‌ای از رویه‌های ای دی آر با هدف همکاری، روابط آینده بین طرفین حفظ می‌شود.^{۴۳}

به هر حال، ممکن است محدودیتی برای گسترش اینکه دست اندر کاران کدام صنعت می‌توانند مدل‌های خودشان را برای حل اختلاف داشته باشند وجود دارد، بخصوص در قراردادهای بین المللی. به عنوان مثال، اگر یک سیستم قانونی بیگانه یک نوع تجارت خاص را تعدیل کند، آن قانون نوع فرایند حل اختلاف مورد استفاده را تعیین خواهد کرد. بعلاوه، بندهای حل اختلافات، بجز توافق بر سر مذاکره، می‌توانند اجرایی شوند و دادگاه‌ها ثبات رویه‌ها قضایی را در صورتی که فرایندها پیگیری نشوند را اعمال می‌کند. به هر حال، مهم است که برای بندهای مبهم و واضح بمنظور اطمینان یافتن از قابل اجرا بودن آنها پیش نویس تهیه شود.^{۴۴}

^{۳۹} - موحد، محمد علی. (۱۳۸۹). درس‌هایی از داوریهای نفتی، جلد اول، ۱۸۶: ۲۹۹-۱۶۰.

^{۴۰} - نیکبخت، حمید رضا. (۱۳۶۸). تعارض قوانین در داوری تجاری بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۱: ۹۰-۳۵.

^{۴۱} - علیزاده عبدالرضا. (۱۳۸۱). مقایسه قانون تجاری بین المللی ایران با قوانین کشورهای دیگر، مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴: ۳۰-۱۵.

^{۴۲} - سیفی جواد. (۱۳۸۷). «قانون داوری تجاری بین المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنستیرال»، مجله حقوقی دفتر خدمات، شماره ۲۳: ۱۱۰-۶۰.

^{۴۳} - صفایی، حسین. (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.

^{۴۴} - شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۵). بررسی قانون نمونه ی آنستیرال در خصوص سازش تجاری بین المللی، مجله اندیشه های حقوقی، ۲۹: ۶۸-۲۵.

داوری اختلافات اجاره نامه

الزامات ساختاری

هنگامی که طرفین در مورد انتخاب‌های داور برای دادرسی مورد نظر خودشان تصمیم گرفتند، لازم است پیش نویسی برای بخش‌های قرارداد تنظیم کنیم تا تمام تحریفات گزینه داری را حذف نماید. برای اجرای این هدف اجاره نامه نفتی و گازی باید شامل بند داور گسترده پیش از اختلاف باشد. در تلاشی برای تدوین یک بند داور امکان پذیر پیش از بوجود آمدن اختلاف، نویسنده موارد زیر را انتخاب کرده است:^{۴۵}

طرفین این اجاره نامه نفتی و گازی بر سر داور برای تمام اختلافات بین‌شان که در خارج، یا به هر طریقی مرتبط با موارد زیر توافق کردند:

(۱) مفاد یا عبارات مفهومی اجاره نامه نفت و گاز

(۲) رابطه اجاره‌نامه منتج شده، یا

(۳) هر توافق ادغامی، توافق تعیین واحد، دستور بخشی، یا عناوین دیگر، توسعه، یا اسناد بازاریابی مرتبط با بندهای اجاره‌نامه یا روابط اجاره‌نامه.^{۴۶}

این موارد، با مواردی که در بخش‌های گذشته درباره آن‌ها بحث شد پیوند خورده است، باید از انحرافات غیر ضروری در دادگاه اجتناب شود و یک مساله توسط قواعد و الزامات برای داور احاطه شده باشد.^{۴۷}

شناخت اختلاف

مقررات نمونه در کشورهای مختلف خواست طرف را برای آغاز فرایند داور برای بررسی دقیق تمام جنبه‌های اختلاف بین آنها و ارزیابی دقیق اساس حقیقی و حقوقی ادعاهای آن‌ها مجبور می‌نماید. برای آغاز کردن رویه داور طرف شاکی باید "مقررات داور" را که شامل موارد زیر می‌شود را فراهم آورد:

الف-توصیفی از اختلاف که نیاز به رسیدگی با داور دارد

ب-بیانیه‌ای که نشان دهد که چرا این مساله تحت بند داور اجاره‌نامه موضوع داور قرار گرفته است.

ج-بیانیه‌ای برای وقایع مرتبط لازم برای حل و فصل اختلاف

د-بیانیه‌ای در مورد قانون مربوطه برای حل و فصل اختلاف

ه-بیانیه‌ای پیگیری کمک توسط یک طرف (اگر بدنبال مقداری پول هستند، به مقدار مشخصی گفته می‌شود که علت و جزئیات محاسبات را شامل می‌شود)؛ و

و-ضمیمه‌ای که شامل نسخه‌هایی از اسناد مربوطه، موارد، قوانین، و سایر مفاد مربوط به تصمیم درباره اختلاف می‌شود.^{۴۸} این مورد بیشتر از یک دفاع قیاسی در برابر یک شکایت است. در عوض، سند شبیه حرکتی برای حکم خلاصه با یک توضیح مختصر حمایتی خواهد شد. پاسخ مقررات داور ارائه شده توسط یک طرف پاسخگوی قانون با سطح مشابهی از جزئیات می‌باشد.^{۴۹}

^{۴۵} - نیکبخت، حمید رضا. (۱۳۸۸). داور تجاری بین‌المللی: تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. ص ۱۳۵

^{۴۶} - محمود، حسنی زاده، (۱۳۹۰)، مبنا و نحوه تقسیم مسئولیت مدنی در صورت اجتماع عرضی اسباب در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران. ص ۱۷۴

^{۴۷} - جولیان د، لوکاس ی، استفان ا. (۱۳۹۱). داور تجاری بین‌المللی تطبیقی. ترجمه‌ی محمد حبیبی مجنده، قم: انتشارات مفید، چاپ اول. ص ۲۱۲

^{۴۸} - اسکینی ربیعا. (۱۳۹۳). اختیار دولت‌ها و سازمان‌های دولتی در مراجعه به داور تجاری بین‌المللی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۲۵: ۱۰-۴.

برای اطمینان از آمادگی کامل موارد مربوط به طرفین در این مرحله از رویه، مقررات اینگونه می‌باشد، هنگامی که داور عقیده داشته باشد که مساله برای بررسی آماده می‌باشد، برای تصمیم‌گیری انحصاری در مورد اختلاف از طریق اطلاعاتی که در مقررات داور و پاسخ مقررات داور وجود دارد طرفین داور را در اختیار می‌گیرند.^{۵۰} هدف از مجبور کردن طرفین به فکر کردن و تجمیع مشکلات خود در مراحل اولیه اختلاف این است که برای آن‌ها اطلاعاتی فراهم شود که بطور موثر در مذاکره ساختار یافته و فازهای میانجی‌گری فرایند داور با آن‌ها درگیر می‌باشند به آن‌ها نیاز خواهند داشت. همواره این اطمینان وجود دارد که میانجی‌گر اطلاعات با کیفیتی در مورد وقایعی که طرفین قادر به مذاکره بر سر راه حل آن‌ها نیستند دارد. آماده سازی پیش از موعد همچنین داور را قادر به حل کردن اختلاف در زودترین مرحله ممکن می‌سازد.^{۵۱}

داور کلیدی برای حصول اطمینان از ارائه روش کار بصورت هموار می‌باشد. داور آگاه به موضوع و آموزش دیده درباره قانون، باید قادر باشد به آسانی تعیین کند که چه وقت آنها اطلاعات مورد نیاز برای حل عادلانه اختلاف را در دسترس خواهند داشت.^{۵۲} در بسیاری از موارد، مشکلات قابل شناسایی مشکلات مربوط به قانون می‌باشند، داور باید قادر باشد تصمیمی را با تکیه بر مقررات، پاسخ و پژوهش مستقل قانونی خودشان ارائه دهد، شاید مهم‌تر از آن، شامل فرایند کشف با داور بجای طرفین شوند. پس از ملاحظات و پاسخ اولیه، حتی فرایند دادخواهی نیز تحت کنترل داور در می‌آیند. به عنوان مثال، یک طرف ممکن است معادل یک دعوای متقابل را در پاسخ خود بوجود آورد. اگر داور اعتقاد داشته باشد که این موضوع به داشتن پاسخی به دعوای متقابل کمک می‌کند، او می‌تواند مشکلات خاصی را که او می‌خواهد طرف پاسخگو بیان کند را بوجود می‌آورد.^{۵۳}

نظام حل و فصل اختلافات در حقوق ایران

یکی از مهمترین شروط قراردادهای نفت و گاز مربوط به حل و فصل اختلافات است که در نظام حقوقی ایران نیز نمود یافته است. به طور کلی چنانچه توضیح داده شد شیوه های حل و فصل اختلافات به دو دسته قضایی و غیرقضایی تقسیم می‌شوند؛ شیوه قضایی مراجعه به دادگاه های ملی و شیوه های غیرقضایی شامل داور، میانجیگری، سازش و سایر شیوه ها می‌شود که به شرح آن اشاره شد. از سوی دیگر سازش و میانجیگری به عنوان شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف، در مقابل روش مرسوم حل و فصل اختلاف، یعنی داور قرار می‌گیرد؛ چرا که از بین شیوه های غیرقضایی حل و فصل اختلافات در حوزه نفت و گاز هم صرفاً شیوه داور الزام آور است. در ذیل به شرح تحلیلی موضوع اشاره خواهد شد.^{۵۴}

مراجعه به دادگاه های ملی

مراجعه به دادگاه های قضایی کشورها در حوزه نفت و گاز همچون تشریفات طولانی، هزینه های سنگین، مشکلات اجرای آرای دادگاه ها و سایر محدودیت های این گونه رسیدگی ها کمتر مورد توافق قرار می‌گیرد، مراجعه به دادگاه های ملی بیشتر در حوزه نفت و گاز زمانی اتفاق می‌افتد که در قرارداد در خصوص شیوه حل و فصل اختلاف، توافقی صورت نگرفته

۴۹ - نصیری محمد. (۱۳۸۲). حقوق تجارت بین الملل. تهران: انتشارات پیکان. ص ۱۳۳

۵۰ - کاشانی جواد، شیخانی محمد. (۱۳۹۱). داور و قواعد جدید داور و اتاق بازرگانی، مجله پژوهش های حقوقی، ۱۹:۲۰-۱۳.

۵۱ - نیکبخت، حسین. (۱۳۶۸). تعارض قوانین در داور و تجارت بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۹۰:۱۱-۳۵.

۵۲ - علزاده ع. (۱۳۸۱). مقایسه قانون تجارت بین المللی ایران با قوانین کشورهای دیگر، مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴: ۱۵-۳۰.

۵۳ - موحّد، محمد علی. (۱۳۸۹). درس هایی از داوریهای نفتی، جلد اول، ۱۸۶: ۲۹۹-۱۶۰.

۵۴ - موحّد، محمد علی. (۱۳۸۹). درس هایی از داوریهای نفتی، جلد اول، ۱۸۶: ۲۹۹-۱۶۰.

باشد و در اثر بروز اختلاف، یکی از طرفین قرارداد، اقدام به اقامه دعوی در دادگاه های ملی واقع در کشور متبوع خود و یا کشور دیگری کند. در ادامه به بررسی صلاحیت دادگاه های ایران در این خصوص اشاره می شود.^{۵۵}

اقامه دعوی در دادگاه ایران

وقتی دعاوی راجع به قرارداد های نفت و گاز یا هر دعوای دیگری در دادگاه ایران اقامه می شود؛ و دعوی جنبه بین المللی دارد، برای تعیین صلاحیت بین المللی قاضی ایرانی باید به قاعده تعیین صلاحیت قضایی بین المللی در حقوق ایران مراجعه کند و نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه ایرانی تصمیم گیری نماید. این همان قواعدی است که در حوزه حقوق بین الملل خصوصی نیز کاربرد دارد و بسیاری از علمای این علم در مورد آن سخن گفته اند. در این راستا در حقوق ایران تنها ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران است که بر صلاحیت عام اشاره دارد و متضمن قاعده صلاحیت بین المللی است:^{۵۶}

«دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.»^{۵۷}

بر طبق قاعده «لکس فوری» که یک قاعده پذیرفته شده در حقوق بین الملل است، دادرسی در یک دادگاه، تابع قانون کشوری است که دادگاه در آن واقع شده است؛ زیرا مرجع این قوانین مربوط به اداره امور کشور می باشد و نمی توان قوانین کشور دیگر را در آن مداخله داد. همچنین ممکن است از قانون مربوط به داوری استفاده شود که خود مقوله ای مستقل می باشد.^{۵۸}

طبق این ماده در موردی که دعوی در دادگاه ایران اقامه شده باشد، تعیین صلاحیت قضایی طبق قانون ایران به عمل خواهد آمد. اما نکته این است که در حقوق ایران در خصوص صلاحیت بین المللی محاکم مقررات خاصی مقرر نشده است و به همین دلیل دادگاه ایران باید طبق قواعد صلاحیت داخلی بر صلاحیت یا عدم صلاحیت خود رای دهد. قواعد صلاحیت داخلی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران در مواد ۱۱ الی ۲۵ قانون پیش بینی شده است. طبق این مواد قاعده صلاحیت قضایی محلی دادگاه محل اقامت خوانده اصل بوده و قواعد دیگر ناظر بر تعیین صلاحیت دادگاه در مواردی که عنصر خارجی دخیل است اشاره کرده و بعد بین المللی گرفته است:

«دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامت نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل اقامت سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هر گاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوی در دادگاهی اقامه می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هر گاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوی خواهد کرد.»^{۵۹}

^{۵۵} - صلح جی، محمد. (۱۳۸۹). استقلال شرط داوری در قراردادهای بین المللی، پژوهش حقوق، ۳۳، ۳۰۰-۲۸۵.

^{۵۶} - کاشانی جواد، شیخانی محمد. (۱۳۹۱). داوری های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بازرگانی، مجله پژوهش های حقوقی، ۱۹:۲۰-۱۳.

^{۵۷} - صفایی، حسین. (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره نوآوری ها و نارسایی های قانون داوری تجاری بین المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰.

۱۴۰-۱۲۵.

^{۵۸} قاسم زاده، سید مرتضی، ره پیک، سیامک، کیایی، عبدالله، تفسیر قانون مدنی، نشر سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۳۲۸.

^{۵۹} - شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۸). تنظیم قراردادهای داوری با توجه به قانون داوری تجاری بین المللی ایران، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۱۱: ۴۵-۱۳.

نتیجه گیری

ضمانت اجرای نقض قراردادهای نفتی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی عمدتاً شامل الزام به اجرای عین تعهد، فسخ قرارداد، مطالبه خسارت و در مواردی ضبط وثیقه است. تفاوت اصلی در عدم امکان تضمین دولتی و بانکی در ایران و پذیرش ریسک اقتصادی توسط پیمانکار است، در حالی که در اسناد بین‌المللی این محدودیت‌ها کمتر دیده می‌شود و ضمانت اجراها عمدتاً بر اساس توافق طرفین و قواعد عام حقوق قراردادهای تنظیم می‌شود.

در حقوق ایران، ضمانت اجرای نقض قراردادهای نفتی در چارچوب قوانین داخلی و با تأکید بر اصولی چون حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز، عدم انتقال مالکیت و مدیریت به بخش خصوصی، تحمل ریسک اقتصادی توسط پیمانکار و عدم تضمین دولتی یا بانکی برای بازگشت سرمایه تنظیم شده است. این اصول در قوانین برنامه‌های توسعه و سایر قوانین موضوعه به صراحت ذکر شده‌اند.

ضمانت اجرای عمده در این نظام عبارتند از:

الزام به اجرای عین تعهد: طرف متعهد می‌تواند الزام متعهد علیه را به اجرای تعهد اصلی درخواست کند.

فسخ قرارداد: در صورت نقض اساسی یا عدم انجام تعهدات، طرف مقابل حق فسخ قرارداد را دارد. مطالبه خسارت: مطالبه خسارت ناشی از نقض قرارداد از دیگر ضمانت اجرای معمول است.

ضبط وثیقه: در برخی قراردادهای نفتی، وثیقه‌ای برای تضمین اجرای قرارداد در نظر گرفته می‌شود که در صورت تأخیر یا عدم انجام تعهد ضبط می‌شود.

رعایت مراحل حل اختلاف: ابتدا مذاکره و سپس داوری و در نهایت مراجعه به دادگاه پیش‌بینی شده است.

نتایج ضمانت اجرای نقض قراردادهای نفتی در اسناد بین‌المللی:

در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی فراملی، ضمانت اجراها عمدتاً بر مبنای اصول کلی حقوق قراردادهای و توافق طرفین استوار است. این ضمانت اجراها شامل موارد زیر است:

الزام به اجرای عین تعهد و فسخ قرارداد: در صورت نقض اساسی، طرف مقابل می‌تواند الزام به اجرا یا فسخ قرارداد را درخواست کند.

مطالبه خسارت: مطالبه خسارت ناشی از نقض قرارداد به عنوان ضمانت اجرای اصلی پذیرفته شده است.

حل اختلاف از طریق داوری: اختلافات معمولاً ابتدا از طریق مذاکره و سپس داوری و در نهایت مراجعه به دادگاه حل می‌شود.

رعایت حسن نیت: در قراردادهای بین‌المللی، رعایت حسن نیت و تلاش برای حل اختلاف از طریق مذاکره پیش از توسل به

داوری یا مراجع قضایی الزامی است. ضمانت اجرای نقض قراردادهای نفتی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی عمدتاً مشابه

هستند و بر الزام به اجرای تعهد، فسخ قرارداد، مطالبه خسارت و رعایت مراحل حل اختلاف تأکید دارند. تفاوت اصلی در

محدودیت‌های قانونی ایران مانند عدم تضمین دولتی و بانکی و تحمل ریسک اقتصادی توسط پیمانکار است، در حالی که در

اسناد بین‌المللی این محدودیت‌ها کمتر دیده می‌شود و ضمانت اجراها بر اساس توافق طرفین و اصول کلی حقوق قراردادهای

تنظیم می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیم پور اسنجان، عادل، ابراهیمی، سیدنصرالله و باقری، محمود، تحلیلی بر مفاد شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت (مورد کاوی قراردادهای نفت و گاز)، ۱۳۹۵، دوره ۲۰، شماره ۳، ۱-۲۶.
۲. اسکینی ربیعا. (۱۳۹۳). اختیار دولت‌ها و سازمان‌های دولتی در مراجعه به داوری تجاری بین‌المللی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۲۵: ۱۰-۴.
۳. اصلانی، حمید رضا، (۱۳۸۹) حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر، نشر میزان، چاپ اول، زمستان. ص ۱۰۰
۴. افتخاری، جواد (۱۳۹۲)، کلیات عقود و حقوق تعهدات، چ ۱۱، تهران: نشر میزان. ص ۱۲۸
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۶) ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ شانزدهم. ص ۱۸۷
۶. جولیانی د، لوکاس ی، استفان ا. (۱۳۹۱). داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی. ترجمه‌ی محمد حبیبی مجنده، قم: انتشارات مفید، چاپ اول. ص ۲۱۲
۷. سیفی، جواد. (۱۳۸۷). «قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنستیرال»، مجله حقوقی دفتر خدمات، شماره ۲۳: ۱۱۰-۶۰.
۸. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۸). تنظیم قراردادهای داوری با توجه به قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، مجله مجتمع آموزش عالی قم. ۱۱: ۴۵-۱۳.
۹. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۵). بررسی قانون نمونه‌ی آنسیتیرال درخصوص سازش تجاری بین‌المللی، مجله اندیشه‌های حقوقی، ۲۹: ۲۵-۶۸.
۱۰. صفایی، حسین (۱۳۸۷). «سخنی چند درباره‌ی نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.
۱۱. صلح چی، محمد. (۱۳۸۹). استقلال شرط داوری در قراردادهای بین‌المللی، پژوهش حقوق، ۳۳: ۳۰۰-۲۸۵.
۱۲. علیزاده ع. (۱۳۸۱). مقایسه قانون تجاری بین‌المللی ایران با قوانین کشورهای دیگر، مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴: ۳۰-۱۵.
۱۳. علیزاده عبدالرضا. (۱۴۰۱). مقایسه قانون تجاری بین‌المللی ایران با قوانین کشورهای دیگر، مجله بصیرت، ۲۳ و ۲۴: ۳۰-۱۵.
۱۴. قاسم زاده، سید مرتضی، ره پیک، سیامک، کیایی، عبدالله، تفسیر قانون مدنی، نشر سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۳۲۸
۱۵. کاشانی جواد، شیخیانی محمد. (۱۳۹۱). داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بازرگانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۰: ۱۹-۱۳.
۱۶. کریمی، عباس (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، چ ۱۷، تهران: انتشارات مجد. ص ۶۹
۱۷. گودرزی، زهرا و باقری، محمود، تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی، مجله مطالعات حقوق انرژی، ۱۳۹۴، دوره ۱، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۳.
۱۸. محمدزاده، محمود، (۱۳۹۰)، اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی، ماهنامه کانون، شماره ۳۱. ص ۲۳
۱۹. محمود، حسنی زاده، (۱۳۹۰)، مبنا و نحوه تقسیم مسئولیت مدنی در صورت اجتماع عرضی اسباب در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران. ص ۱۷۴
۲۰. موحد، محمد علی. (۱۳۸۹). درس‌هایی از داوریهای نفتی، جلد اول، ۱۸۶: صص ۲۹۹-۱۶۰.

۲۱. نصیری محمد. (۱۳۸۲). حقوق تجارت بین الملل. تهران: انتشارات پیکان. ص ۱۳۳
۲۲. نیکبخت، حمید رضا. (۱۳۸۸). داوری تجاری بین المللی: تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. ص ۱۳۵
۲۳. نیکبخت، حسین. (۱۳۶۸). تعارض قوانین در داوری تجاری بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۹۰: ۱۱-۳۵.
۲۴. یزدانیان، علیرضا، نظریه عمومی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران، فصلنامه حقوقی دادگستری، ۱۳۹۱، شماره ۷۷. ص ۱۶۴